

نقشه «ملتکه» - ژنرال «فن ملتکه»، هنگامیکه در سال ۱۹۰۶ بجای «فن شلیفن» در رأس ستاد بزرگ ارتش آلمان قرار گرفت، با چنین نقشه ای مواجه شده بود. در نقشه «شلیفن»، دو موضوع بگرائی و بیم «ملتکه» را فراهم میکرد: از طرفی «رهائی» آراس علیا، و گماشتن نیروهای پس محدودی برای حفاظت «ارن»، و از طرف دیگر، گماشتن ارتش اقصی برای حفظ و حراست «پروس شرقی». پس، «ملتکه» با کزیر بود از اینکه، با حفظ رتوس مسائل نقشه «شلیفن»، میانه روی، بی حربه و احتیاطی نیز در اعمال آن فائل گردد. و همین اعتدال خود سبب شده آن جنبه جسارتی که «شلیفن» از آن بی پروائی و بی باکی به نقشه خود داده بود از بین برود.

در قبال روسها، «ملتکه» معتقد بود باینکه در استعمال وسائل از حدود سرفه جوئی تجاوز نکند. و حال آنکه ترقیات ارتش روس بقدری محسوس بود که انکار پذیر نمی نمود. ولی با اینوصف، در عمل، از حدود سرفه جوئیهای شلیفن هم تجاوز کرد. در «پروس شرقی» ارتشی (ارتش ۸) مرکب از ۳ سپاه تحت السلاح، ۳ لشکر احتیاط و ۱ لشکر سوار تشکیل داده و ۱ سپاه «لاندور» مرکب از دو لشکر مأمور ساخت حفاظت و پوشش «سیازی» را تأمین کند. بعلاوه، اعتباری هم معادل ۳۰۰ میلیون بر بودجه سال ۱۹۱۳ تحمیل کرده و به تقویت بزرگترین استحکامات شرقی تحصیل داد، یعنی «فلاخ» کونیگسبرگ، «دورن» و «گراویدتس»، که میبایستی با «پوزن» و «برسلاو» مأمور پروهای جنگی را پشتیبانی نمایند.

از طرفی هم «ملتکه»، بعکس «شلیفن» میل نداشت «آراس علیا» و احیاناً «ارن» را فراسویها رها سازد. پس، ارتش «ارن» را تقویت کرده و ارتش «آراس» را ایجاد نمود: از اینرو، در سال ۱۹۱۴، جناح چپ نیروی آلمان دارای دو برابر قوای بود که «شلیفن» برای آن پیش بینی نموده بود.

بنا بر این، برای تقویت جناح چپ نیروی آلمان، میبایستی واحدهائی از

ارتشهای مرکزی برداشت شوند ، و در عوض ، ارتشهای مرکزی هم با واحدهای اختصاصی ارتشهای جناح راست تکمیل کردند . بالاخره تمرکز قوا و نقشه‌ای را که « ملتکه » در ۱۹۱۴ در قبال فرانسه اجرا نمود در صفحه ۵۵ شرح داده شده است .

در جبهه روس وارد آوردن فشار اصلی بعهده ارتشهای اطریش بود که مأمور بودند در گالیسی (Galicie) تمرکز شده و در سمت « لوبلین » (Lublin) تعرض نمایند . ولی « ملتکه » برای اینکه ارتشهای اطریش را با اجرای این تعرض وادار سازد ، ناچار وعده داده بود که در قبال تعرض آنها ارتش ۸ آلمان ، که در پروس شرقی متمرکز میشد در سمت « نارو » (Narew) (رویه « کونو » Kowno) حمله ور گردد ، تا بدین طریق اطریشها نیز بوعده خود اقدام نمایند .

مرز پروس شرقی با روسیه که در سمت مشرق و جنوب امتداد داشت دفاع این ایالت را در وضع غیر مساعدی قرار داده بود چه با ارتشهای روس که از حیث تعداد بمراتب قویتر بودند اجازه میداد مدافعین آن ایالت را چون گاو آهنی در فشار قرار دهد . ولی وجود دریاچه های مازوری در زاویه جنوب شرقی مرز که مانع طبیعی مستحکمی بود و برای دفاع هم کاملاً آماده شده بود آلمانها را قادر میساخت که در تحت پوشش آن بر ضد قوای شرقی و جنوبی روس در خطوط داخلی به عملیات جنگی پردازد .

نقشه اطریش هنگری (نقشه شماره ۱)

نیروی اطریش هنگری برای عملیات بر ضد قوای روس پیش‌بینی شده بود . برای مراقبت مرز ایتالیا و تأمین مرز های بالکان در نظر بود که ۳ تا ۴ سپاه (قریب $\frac{1}{2}$ از تمام نیرو) مأمور گردد . بموجب معاهده با آلمان در مرحله اول جنگ یعنی موقعیکه نیروی عمده آلمان در جبهه فرانسه مشغول عملیات هستند چنین مقرر شده بود که آلمانها بوسیله تعرض خود از « پروس شرقی » سمت « نارو » (Narew) با اطریشها مساعدت کنند و در عوض اطریشها هم متعهد شده بودند

که در جبهه بین رودخانه های «ویستول» (Vistule) و «بوگ» (Bug) اقدام
بتعرض نمایند. در سایر مسائل آزادی عمل ستاد ارتش اطریش محدود و مقید
نگردیده بود.

حادثه ای که بین اطریش و صربستان در تابستان ۱۹۱۴ رخ داد و دست آویز
جنگ گردید و ضمیمت کالی را بزیان اطریش هنگری تغییر داد. موضوع شرافت
مای و عزت هس اطریش مجازات سربی کوچک را ایجاب میکرد، و برای این
منظور مجبور بکاستن قوای خود در جبهه روس میگردد.

رئیس ستاد ارتش اطریش کنراد فن هتسندرف (Conrad von Hötendorf)
مصمم گشت که هر دو منظور را دفعتاً عمای نماید لذا $\frac{1}{2}$ نیرو را بر ضد صربستان و قریب
 $\frac{1}{2}$ را بر ضد روسیه تخصیص داد. ضمناً در هر دو جبهه تصمیم باجرای تعرض
گرفته بود.

در این موارد اطریشها چنین حساب کرده و امیدوار بودند که صربستان را با
یک ضربه برق آسا از پا در آورده سپس خواهند توانست که نیروی کامل خود را
بواسطه کندی بسیج روسها در واقع خود متوجه جبهه آنها نمایند.

ولی در اساس نقشه خود دچار اشتباه شده بودند چه در آن نقشه
صفات جنگی صربها و مختصات صحته آن کشور را که برای دفاع استراتژیکی
بسیار مساعد بود و همچنین سرعتی که در تمرکز ارتش روس حاصل شد در نظر
نگرفته بودند. بالنتیجه نقشه اطریش در هر دو جبهه دچار عده موفقیت گردید.

در جبهه روس: اطریشها در نظر داشتند که قسمت مهم نیروی اختصاصی را
از «ویستول» تا «برمیشل» (Przemysl) و بقیه را از «برمیشل» تا «استاپسلاو»
(Stanislau) گسترده و غفلت ارتشهای غربی روس را که بین «ویستول» و «بوگ»
غربی، متمرکز بودند مورد حمله قرار دهند و آنها را مغلوب ساخته و با قراردادن
«لامبرگ» (Lemberg) (یعنی لوهو و Lwow) بمنزله محور گردش بارشهای
شرقی روس ضربه جناحی وارد آورند.

این نقشه که از لحاظ شهامت و صراحت نظیر نقشه «شلیفن» بود از جهات دیگر

بعثت در نظر نگرفتن حسابهای صحیح و دقیق از حیث تطبیق قوا و زمان و عدم وجود محور مستحکم در موقع گردش و عدم تناسب هیئت فرماندهی و خود ارتش برای چنین مانوری با نقشه شلیفن تفاوت کلی داشت. بدیهی است که نقشه هتسندرف با این معایب اساس صحیحی نداشته و پیشتر جنبه ماجرا جوئی را دارا بوده و همانطور هم که انتظار میرفت بهماقت و خیمی منجر گردید.

جبهه صربستان: اطریشها سه ارتش خود را بهجبهه صربستان مأمور کردند تا پس از باز شدن در زاویه شمال غربی مرز صربستان از سمت رود خابهای «ساو» (Save) و «درینا» (Drina) در جبهه قریب به ۱۶۰ کیلومتر طول بقصد احاطه ارتش صرب داخل خاک آن کشور شوند.

نقشه های متفقین (نقشه شماره ۱)

متفقین (فرانسه و روس) بوسیله ستادهای ارتش خود پیش از متحدین اقدام بتهیه نقشه عملیات مشترک نموده بودند ولی این نقشه بصورت تمهیدات ناقص از طرف ارتش روس بفع فراسه تنظیم شده بود که در واقع آزادی عقیده استراتژیکی فرماندهی روس را بمنظور تسهیل عمل ارتش فرانسه و مساعدت با آندوات برای نیل بمقاصد خصوصی خود مقید و محدود میساخت.

اساس و پایه این نقشه مشترک بر معاهده ای که در سال ۱۸۹۲ بین روسیه و فرانسه بسته شده بود قرار داشت. و در سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ نیز تغییرات زیادی در نتیجه موافقت ژنرال ژیلینسکی (Jilinsky) رئیس ستاد ارتش روس برای استرضای خاطر فرانسه بفع آندوات در معاهده مزبور داده شد.

کلیه این معاهده با نقائص و معایبی که داشت در سال ۱۹۱۴ بصورت ذیل درآمد: اینکه جنگ مزبور تدافعی نامیده شده بود از احاطه سیاسی بوده و برعکس، آن جنگ عملیات تفریضی و مقارنرا برای ارتشهای هر دودوات ایجاب میکرد. لذا متفقین مجبور بشروع تعرض در آن واحد از دو طرف با صرف حداکثر مساعی مشترکه خود بودند.

برای اجرای این مقصود مقرر شده بود که فرانسه در مرز شمال شرقی

خویش تا روز دهم بسیج ارتشی بالغ بر يك ميليون و نيم سرباز تمرکز دهد و در همان روز شروع بتعرض نماید . روسيه تا روز پانزدهم بسیج خود هشتصد هزار سرباز در برابر آلمان مهیا سازد و فوراً شروع بتعرض کند .

ضربت نیروی هر دو دولت متفق بایستی بر مرکز حیاتی آلمان متوجه گردد ضمناً نسبت بر روسيه حتی قید شده بود که در صورت مرکز نیروی آلمان در «پروس شرقی» برای ارتش روس اصحاب است که تعرض را از سمت جنوب یعنی از «اروه» (Narew) بسمت «الشتین» (Allenstein) شروع کند . و هر گاه آلمانها نیروی عمده جبهه شرق خود را در ناحیه «تورن-پوزنان» (Thorn - Poznan) تمرکز دهند روسها بایستی ضربت را مستقیماً بر آن وارد سازند .

در مبنی معاهده بسیج شده بود که هر چه ممکن است زودتر نتیجه و پیشرفت قطعی حاصل شود چه نقطه در آن صورت برای آلمانها نقل و انتقال ارتش از یکجبهه بجبهه دیگر مشکل باشد . لذا متذکر گردیده بودیم که ارتش فرانسه بایستی از حیث تعداد نسبت دشمن فوق عددی داشته باشد و تحصیل این برتری در صورتی میسر میگردد که ارتش روس بر روی بیشتری از آلمانها بجای خود جاب کند .

با انگلیس معاهده قسمی بسته نشده بود ولی پیاده شدن ارتش انگلیس در قاره اروپا امری محال بود .

ورود سرستان در جنگ غیر مترقب بود و بهین سبب طرفین در این باب چیزی در نقشه خود پیش بینی نکرده بودند .

طرز عملیات در دریاها نیز تنظیم نشده بود .

در قرارداد فرانسه و روس شالوده کلی و رئوس مسائل عملیات مشترك تصریح گردیده بود و این موضوع از محسنات قرارداد مزبور بشمار میرفت . یکقسمت از وظایفی که بمعهده روسيه واگذار شده بود بنظر انجام پذیر نمیرسید زیرا آن دولت را حتمه میکرد که : (روز پانزدهم بسیج شروع بتعرض کند در صورتیکه تا آن تاریخ برای روسها تمرکز قوای منظور غیر ممکن بود) . مخصوصاً با اجبار و الزامی که روسيه برای اجرای ضربت اولیه بآلمان از لحاظ کمک فرانسه داشت آزادی

عملیات و اسلح می نمود. در صورتیکه وضع جنگ (چنانکه در عمل هم ثابت شد) برای روسها قبلاً شکست اطریش را ایجاب میکرد تا بعداً مبارزه با آلمان سهلتر شود. بنا براتب بالا روسیه خواه نخواه در خدمتگذاری فرانسه واقع شده بود. معاهده بین این دو دولت چنانکه بعدها خواهیم دید ارتش روس را به ملت توجه و علاقه خاصی که فرماندهی کل ارتش روس با اجرای تعهدات خویش داشت تحت فشار سخت و مضیقه زیاد قرار داده بود در صورتیکه طرف مقابل چند ان پابست اجرای مقررات آن نبود.

نقشه فرانسه

نقشه عملیاتی که فرانسویها در سال ۱۹۱۴ اعمال کردند نقشه شماره ۱۷ است. نقشه مزبور بهیچوجه با روح قرارداد بین آندولت و روسیه که در مسخای ۱۰ میابونو نیم ارتش فرانسه را از روز دهم بسیج ایجاب میکرد و فوق امیداد، فرانسویها نقشه خود را تعرض نامیده اند و ای در حقیقت روی اصل انتظار تنظیم شده بود یعنی ارتش فرانسه تحت منتظر عملیات ارتشهای آلمان میگردد پس از کشف مقاصد و بیات دشمن به اقتضای پیش آمد مبادرت بتعرض بینمود. فرانسویها با قبول این نقشه باعث تأخیر در عمل شده و ابتکار را بدست آماها دادند. علت عدم تعرض فوری فرانسویها بواسطه نداشتن قوای روحی کافی بود چه هنوز تحت تأثیر شکست ۱۸۷۰ واقع بودند.

اینک خطوط برجسته نقشه ۱۷ فرانسه را با محسنات و معایبی که داشت شرح بدهیم:

نیروی فرانسه - قانون کادر بیاده نظام و سوار نظام، اصلاح راه آهن ۹۰۰ مایل، ۹۰۰ لشکر ششم بهره کار افزوده و با نتیجه صرفه جوئی بکروزه ای در نقل و انتقال عناصر جنگی فراهم میگردد، خدمت سه ساله که اخیراً دیگر بار مقرر گردیده و نتیجه افزایش نیروی جنگی، سهولت بسیج و تقویت پوشش را میسر میساخت، همه اینها تدابیری بودند که تمرکز نیروهای ذیل را برای فرانسویها مقدور میکرد: ۶۹ لشکر، ۱۲ لشکر پاسبان، ۱۰ لشکر سوار، یعنی رویهمرفته ۳،۵۸۰،۰۰۰ تن سرباز، که از این عده ۶۸۰،۰۰۰ تن جزو ذخیره بودند.

عصر روز سیزدهم بسیج آخرین واحدهای جنگی فرانسویها (لشکرهای

احتیاط (بمنطقه تمرکز میرسیدند) غیر از لشکر های افریقائی که روز هفدهم وارد میشدند) .

برای دفع هجوم ناگهانی آلمانها بمنطقه تجمع فرانسویها ، يك سپاه (سپاه ۲) مأمور پوشش گشته و حفاظت جبهه « میزیر » (Mézières) تا « سته نه » (Stenay) را عهده دار میگردد ، و در این حال برای تقویت رشته استحکامات کنار « وزعلیا » ، « گران کو رنه » (Grand Couronné) و مخرج جنگل « شارم » (Charmes) اقدامات لازمه بعمل میاید .

نیروی آلمان - فرانسویها از نقشه بسیج ۹ اکتبر ۱۹۱۳ آلمانها مسائلی درك کرده بودند ، مخصوصاً وجود سپاههای احتیاطی را که ترکیب آنها مطابق تشکیلات سپاههای تحت السلاح بود . ستاد ارتش آلمان ، از آنجائیکه کادر جنگی بسیاری را اختیار داشت ، و در این فکر بود که در آغاز کار فشار بهائی خود را اعمال نماید ، تصمیم داشت سپاههای احتیاطی نامبرده را نیز مانند سپاههای دائمی در عملیات جنگی بکاربرد ولی تعداد سپاهها و مأموریت آنها بر فرانسویها مجهول بود . تخمین فرانسویها این بود که آلمانها رویهم رفته ۲۰ سپاه تحت السلاح ، ۱۰ سپاه احتیاط ، ۸ لشکر سوار نظام و ۸ لشکر احتیاط بر ضد فرانسویها بگمارد . ولی فرانسویها ، از آنجائیکه بشکل مانور دشمن پی برده بودند تا گزیر بودند از اینکه به فرضیاتی اکتفا نمایند .

از دیر گاهی در میان فرانسویها فکری شایع بود که همه اذهان را متوجه میکرد : آن فکر این بود که ممکن است آلمانها مانوری از داخل خاک بلژیک بر ضد جناح چپ ارتش فرانسه اجرا نمایند . راجع به این فکر ، قرائن بسیاری وجود داشت . ولی آیا برای فرانسویها ممکن بود که این قرائن را مأخذ دانسته و از آنها اینطور نتیجه بگیرند که آلمانها فشار اصلی خود را احتمالاً از داخل خاک بلژیک وارد خواهند ساخت ؟ فرانسویها تا گزیر بودند باین نکته توجه نمایند که آلمانها ، در صورت اجرای چنین مانوری ، مجبور میشدند از قوای « آلزاس » بکاهند ، و تمرکز قوای خود را در این سمت

شاید هم تا رود «رن» عقب بکشند، و بدین سان چنین وثیقه گرانبهایی که برای طرفین متخاصم اهمیت بسزائی داشت برانسویها واگذار سازند. بعلاوه، این حرکت خارق العاده ای که از مرکز عملیات هم دور بود در نظر فرانسویها عیب دیگری هم داشت، و آن عبارت از این بود که حمله آلمانها را بتعمیق میانداخت، و همین خود آن جنبه ناگهانی را، که همه نویسندگان نظامی آلمان از دیر گاهی تکلیف میکردند، از تعرض آلمانها سلب می نمود.

بنابر این جهات، ستاد ارتش فرانسه ناگزیر بود قویاً احتمال دهد که مأموریت مهمی، اگر مأموریت اصلی نکوئیم، بگروه ارتشهایی که پشت موضع «مس - نونویل» (Metz - Thionville) مجتمع میگرددند محول خواهد شد، و بنابر جهات سیاسی و روحی، آلمانها بجلگه «لرن» متمایل خواهند گردید. اما راجع به حمله ای که انتظار میرفت آلمانها بر ضد جناح چپ فرانسویها اجرا نمایند، نظریه ستاد ارتش فرانسه این بود که این حمله با قوای عمده ای اجرا خواهد شد، ولی حمله اصلی آلمانها نبوده و منطقه عملیات آن نیز از حدود شمالی خط «لیژ - نامور» (Liège - Namur) تجاوز نخواهد کرد؛ عبور از این سد مستحکم در قبال ارتش بلژیک هم محققاً از نظر فرانسویها عمل امکان پذیری می نمود، ولی عمل امکان پذیری که فرست و مجالی میخواست، ناجائزانه جناح راست آلمانها که عهده دار اجرای آن بود موفق نمیکردید دره واقع مناسبی خود را به نبرد نهائی برساند.

بالاخره ستاد ارتش فرانسه برای تمرکز قوای خود تصمیماتی را اتخاذ نمود که در صفحه ۵۷ شرح داده شده است. بدین طریق فرانسویها در نظر گرفته بودند که بمحضر تمرکز کلیه قوا اقدام بتعرض و گسیختن جبهه دشمن نمایند.

خلاصه، خط و خطای نقشه شماره ۱۷ فرانسویها از دو جهت اصلی ذیل ناشی شده است:

۱ - بعلت فکر سنجیده ای که این نقشه بدان مبتنی بوده است؛ یعنی تصور

اینکه جناح راست آلمانها از خط «لیژ - نامور» تجاوز نخواهد کرد،

۲ - در اثر فرط اعتمادی که به امکان گسیختن جبهه دشمن بایک ضربت داشتند

همانطوری که در آن موقع هم گفته بودند تصور میکردند که ممکن است
«ضربت اُسترلیتز» (Austerlitz) را تجدید نمایند.

نقشه بایزیک (نقشه شماره ۱)

چون بایزیک در صورت وقوع جنگ و تقاضای بطرفیش با نیروئی مصادف میگردد
که نسبت بارتش او به مراتب عظیم تر بود لذا تصمیم شد که نقشه جنگی
خود را طوری تنظیم کند که ارتش او در زیر ضربتهای متوالی دشمن قرار نگیرد
و تا الحاق به نیروی متفقین منمحل نشود.

بنا بر این در صورت جنگ با آلمان لازم میآمد که ارتش بایزیک در عقب
رودخانه «ژت» (Getze) متمرکز شده و پایتخت کشور (بروکسل) را پوشانده
و با حفظ خطوط مواصلات خود با «آنورس» تکیه گاه آن واقع گردد.

در هر صورت دفاع قلاع لیز (biège)، نامور (Namur) و آنورس (Anvers)
لازم بود تأمین شود.

نقشه روسیه (نقشه شماره ۱)

نقشه روسیه کاملاً جنبه تفریحی داشت و در آن نقشه دو طریق پیش بینی شده
بود که بموجب آن سوق قسمت اعظم قوا یا برضد آلمان و یا برضد اطریش هنگری
صورت میگرفت.

در هر دو طریق از هفت ارتشی که برای عملیات در روسیه اروپائی تخصیص
داده بودند دو ارتش آن مأمور تأمین جناحین میگشت: که یکی برای حفظ فنلاند
و سواحل بالتیک (در صورت عملیات خصمانه سوئد بود) و دیگری در حوالی اودسا
(Odessa) در مقابل تجاوز احتمالی رومانی استقرار مییافت. بعلاوه یک قسمت
از سپاههای سیبری هم برای تأمین خاور دور منظور شده بود.

در هر دو صورت تصمیم کلی عبارت بود از مبادرت بتعرض برضد ارتش
آلمان و اطریش تا میدان جنگ بجاك آنها انتقال یابد.

بر طبق « طرح احتمالی اطریشی » :

۱ - مقابل جبهه آلمان - از تمام نیروئیکه بسرحدات غرب سوق داده میشد قریب $\frac{۳}{۴}$ آن (یعنی ۲ ارتش) مأمور بودند که پس از باز شدن در خط « کونو - دروسکنیکی » (Kowno - Drouskeniki) (ارتش یکم) و در خط « گرو دنو - باوستوک - لوهزا » (Grodno - Belostok - Lomja) (ارتش دوم) اقدام بمحاصره ارتش آلمان متوقف در بروس شرقی نموده و آن ایالت را هم از نظر ایجاد مبدأ مساعدی برای عملیات بعدی خویش در تصرف گیرند .

۲ - مقابل جبهه اطریش - قریب $\frac{۷}{۱۱}$ از تمام نیرو (یعنی قبلاً ۳ و بعد ۴ ارتش) مأمور بود که بسه گروه تقسیم شده و در خطوط ذیل بازشوند : گروه قویتر (۲ ارتش) در طرفین « بوگاری » بین اوبلین و کوبیل (Lublina-Kowel) با تقویت مرکز آن در « خلم » (Cholm) ، گروه دیگر در ناحیه « رُونو » (Rowno) و گروه سومی در ناحیه « پروسکورو » (Proskurow) .

مأموریت کلی آنها در هم شکستن ارتشهای اطریش هنگری با جاوگیری از عقب شینی نیروی معظم او در جنوب بعقب « درنیستر » (Dniestre) و در غرب بسمت « کراکوی » (Cracovie) که در معنی همان اجرای نقشه گازانبر میگرددید .

بر طبق « طرح احتمالی آلمانی » : که روح آن با « طرح اطریشی » چندان تفاوتی نداشت :

۱ - مقابل جبهه آلمان - قدری کمتر از $\frac{۱}{۱۱}$ تمام نیرو منظور شده بود (یعنی ۳ ارتش) که مأمور باز شدن از ریگا (Riga) تا « اوستروانکا » (Ostrolenka) و محاصره عمیق بروس شرقی بود .

۲ - مقابل جبهه اطریش - قدری بیش از $\frac{۳}{۱۱}$ تمام نیرو مأمور بود و ضمناً تقلیل نیرو متوجه منطقه غربی جبهه میگرددید .

در این منطقه فقط یک ارتش در ناحیه « برست لیتووسک » (Brest - Litowsk) میماند که با داشتن مأموریت غیر عامی بمنظور تأمین عقب سر ارتشهای مأمور

عملیات در مقابل آلمان از تعرض دشمن معانت کند و ناحیه « برست - کوبرین » (Brest - Kobrin) را در قبال هر پیشامدی حفاظت نماید .

گروه‌های « رُونو و پروسکورو » (Rowno - Proskurov) مأمور بودند که بوسیلهٔ عملیات تعرضی خویش تعداد بیشتری از نیروی اطریش را در مقابل خود سرگرم کنند .

در ۱۹۱۴ ارتشهای روس مطابق « طرح اطریشی » تمرکز یافتند .

اینک مشخصات هر دو طرح را تحت بررسی قرار میدهیم :

۱ - وجود تمایلات کامل برای بسط عملیات تعرضی حتی در جبهه‌ایکه موقتاً

مأموریت غیرعاملی داشتند (گروه‌های « رُونو » و « پروسکورو » در « طرح آلمانی ») .

۲ - عدم رعایت تناسب در تقسیم وسایل . موضوع ایجاد تفوق نیرو برای نیل

بفتح قطعی در یکی از جبهات در هیچیک از این دو طرح منظور نشده بود . تمام

نیرو تقریباً بطور مساوی تقسیم شده و فقط قدری در سمت « خلم » (Cholm) تقویت

گردیده بود .

راست است که با اجرای نقشه بر اساس « طرح اطریشی » تناسب قوای منظوره

در جبههٔ آلمان خیلی بفتح روسها بود وای در آن جبهه خواص اراضی (یعنی وجود

دریاچه‌های مازوری) و صفات برجستهٔ دشمن از لحاظ اجرای مانور در نظر گرفته

نشده بود . در جبههٔ اطریش هم برای روسها تحصیل تفوق بیشتری در قوا حاصل

نمیگردید چه تعهدات آنها در مقابل فرانسویها در هر طرز استقرار حتمی ۸۰ هزار

قوای روس را در جبههٔ آلمان بعد اقل ایجاب میکرد .

۳ - در صورت اجرای « طرح آلمانی » تمام نیروی روس در جبههٔ آلمان

پروس شرقی سوق داده میشد . چون آن ایالت بواسطهٔ کمی وسعت خود گنجایش

تمام نیرویپرا که روسیه میتواند بر ضد آلمان اعزام دارد نداشت لذا تقویت جبههٔ

آلمان پیش از آن میسر نبود .

در عین حال ستاد ارتش روس میدان مساعدی را برای تمرکز قوا در ساحل

چپ‌رودخانه «ویستول» در اختیار خویش داشت که دارای اقصی طرف به «برلن» و «ویینه» با امکان اجرای حرکت دورانی از سراسر پروس شرقی بود. چون اصل تأمین تمرکز و آرایش تمام نیرو در درجه اول اهمیت قرار گرفته بود لذا روسها تمرکز نیروی خود را بخط نیمن (Niemen) و «بوگ» انتقال داده و از چنین میدان مساعدی برای تعرض صرف نظر کردند. ضمناً تسریع در بسیج و توسعه خطوط آهن و اتحاد با فرانسه برای روسها اقدام بتمرکز نیرو را در روی خط «ویستول» (Vistule) با پوششهای قوی در سمت «لوبلین» و پروس شرقی امکان پذیر مینمود.

۴ - از نقشه های عملیاتی روسها منظور آنها برای محاصره دشمن و تحصیل نتایج قطعی مشهود میگردد.

۵ - استقرار قوای پیش از حد از وجهه «رونو» - پروسکورو - (Rowno - Proskurow) بجهت فشارهای سیاسی برای تصرف گالیسی شرقی بود.

صربستان

گرچه ارتش کوچک صرب نقشه دفاع عامل و مؤثری داشت ولی خویشتن را کاملاً قویض دول معظمه (متفقین) نمود و بمجرد اولین تقاضای فرماندهی کل ارتش روس برای حمله بسپاه اطیش که از مرز صربستان گذشته بود مهیا گردید.

ژاپون

حدود عملیات ژاپون فقط منحصر بناحیه اقیانوس کبیر بوده و منظور او تصرف مستعمرة آلمان «کیا او چئو» (Kiao - Tchéou) بود. اهمیت و تأثیر ژاپون در اروپا از لحاظ نقشه های جنگ عبارت بود از آزاد شدن سپاه های سیبری روس برای اعزام بااروپا و تأمین خطوط مواصلات روسیه با متفقین از طریق اقیانوس کبیر.

مبارزه در دریا و جنگهای مستعمراتی

این دو موضوع تا آغاز جنگ صورت ثابتی نداشت و خط مشی کلی عبارت بود از محدود کردن دائره عملیات ناوگان آلمان و تصرف مستعمرات آن دولت.

فقط پس از چندی برای جنگ مستمرانی يك ترتيب منظم و سياست روشنی كه مقصود از آن حفظ اراضي متصرفه بعد از انعقاد صلح بود اتخاذ گردید .

بررسی نقشه های جنگ

پس از مقایسه نقشه هر دو ائتلاف نتیجه ذیل را میتوان بدست آورد :

۱ - طرفین برای يك جنگ برق آسا و اجرای تعرض بااصهیمات جدی خود را آماده میکردند .

۲ - نقشه عمایات مشترك طرفین و مقاصد حقیقی آنها از جنگ كاملاً تنظیم نشده بود .

نسبت باین مسائل متفقین با تمایل بتسهیل عمایات ارتش فرانسه توجه بیشتری کرده بودند .

۳ - در ارتش فرانسه انزرائری انتخاری با تمام عواقب آن (از دست دادن وقت و ابتکار) جایشین روش تعرضی شده بود .

۴ - آلمان و اطریش تصمیمات اولیه خود را با مقیاس وسیعی در نظر گرفته بودند :

آلمان : درهم شکستن و ابدحلال کامل قدرت نظامی فرانسه را .

اطریش : تصرف بیکقسمت ازحاک روسیه را .

۵ - تمرکز تمام افکار ، پرو و وسایل برای درهم شکستن دشمن خود در سمت

منتخب فقط در ارتش آلمان مشاهده میشود ، در سایر ارتشها این مسائل مبهم است .

۶ - ارتش روس بمناسبت نقصان خطوط آهن نسبت بسایرین دچار وضعیت مشکذتری

بود و ناگزیر بود که بتقسیم بندی خود در صحنه های مختلف صورت تاپشی بدهد

چه امیدی برای نقل و انتقال سریع آنها بوسبانه خطوط آهن نبود در صورتیکه

سایر ارتشها كاملاً از اینوسبانه استفاده میکردند .

بهمین علت بود که روسها گاهی مجبور بنگاهداری قوای اضافی درجهات

خود برای مواقع فوق العاده میکردیدند .

تمرکز استراتژیکی نیرو و مقاصد اولیه طرفین

از نقشه های مقدماتی طرفین که در بالا ذکر شد واضح است که نخست میبایستی عملیات جنگی در چندین صحنه وسیع و مختلف خاک اروپا صورت گیرد: اولاً - در مرزهای آلمان با بلژیک و فرانسه که صحنه بزرگ غربی اروپا را تشکیل میداد.

ثانیاً - در مرز روس با آلمان و اطریش هنگری که صحنه شرقی اروپا را تشکیل میکرد.

ثالثاً - در مرز اطریش و صربستان در آغاز امر صحنه سرسنان تشکیل مییافت که بهند آ صحنه وسیع بالکان منضم گردید.

صحنه غربی اروپا

قبل از شروع جنگ محیط اروپا چنان تیره و تار شد که در همان حین جریان مذاکرات و قبل از اعلان جنگ تمام دول اقدام بتهیه مقدمات جنگ و بسیج نمودند یعنی در حقیقت از روش اطریش که پیش از دیگران اقدام به بسیج عمومی نموده و بعد بسیج عمومی را اعلان کرد متابعت نمودند.

چون وضعیت دولی که در صحنه غرب نالقی میکردند از لحاظ وسعت خاک و خطوط آهن تقریباً مساوی بود این امر باعث شد که بسیج و امر کز برود در آن صحنه تقریباً در آن واحد انجام گیرد.

فقط تمرکز ارتش انگلیس و حمل چند قسمت فرانسه از شمال افریقا نسبت بتمرکز کامل آلمان قدری بتأخیر افتاد.

آلمان روز اول اوت بروسیه و روز سوم آلمان فرانسه اعلان جنگ داد ، روز چهارم اوت انگلیس بمتفقین ملحق شد . بین پنجم و هفتم آلمان ارتشهای متخاصم بر طبق نقشه های که قبلاً طرح و تنظیم شده بود تحت پوشش ارتشهای نامین مرزها تمرکز یافته و بلافاصله بعملیات جنگی مبادرت نمودند .

تمرکز نیروی آلمان (نقشه شماره ۲-۳)

بالاخره نقشه «فن ماتکه» (von Moltke) یعنی همان نقشه ایکه در ۱۹۱۴ اجرا خواهد شد برعایه فرانسه بدینسان طرح ریزی شده بود :

ارتشهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ و ۵ آلمان متضمن توده ای شامل ۲۷ سپاه و ۲ سپاه سوار نظام ، مأمور بودند بین «دوسلدورف» (Dusseldorf) و «مس» (Metz) پیاده شده و بین «تنگر» (Tongres) و «تینویل» (Thionville) تمرکز کردند . در همان موقعیکه این توده تمرکز میگردد ، واحدهائیکه بسیج آنها بسرعت میسر میشد مأموریت داشتند به «لیژ» (Liège) و «لوگزامبورگ» دست بیاندازند .

این پنج ارتش ، که محور حرکت آنها دور «بینویل» خواهد بود ، عهده دار بودند بحناح چپ فرانسه حمله ور شده و آنها را نحست در سمت «مزل» (Moselle) و بعد ها بمرز سوئیس برانند ؛ اگر ارتش بلژیک بین «بروکسل» و «موز» مطال بشود ارتشهای جناح راست در حين حرکت ارتباط او را با آنورس (Anvers) قطع خواهند نمود .

در «لرن» ارتش ۶ آلمان مأموریت داشت بین «کورسل سورنیه» - Courcelle (sur-Nied) و «ساربورگ» (Sarrebourog) ، رو بحنوب غربی ، تمرکز گردد . این ارتش ، مرکب از ۶ سپاه ، از جناح راست با یک گروه «تیبی قوای «لاندوهر» (Landwehr) ، که خود آنها با ۳ هنگ مهندس و ۲ هنگ خمپاره انداز تقویت میشد ، یشتبانی میگردد . این گروه مأمور بود از «پانژ» (Pange) تاجنوب شرقی «مرزیگ» (Merzig) ، در امتداد رودخانه «نید» (Nied) تمرکز شده و رو بحنوب شرقی متوجه گردد .

ارتش ۷ مرکب از ۳ سپاه ، مأموریت «آراس» را برعهده داشت .

ارتشهای ۶ و ۷ دارای دو مأموریت بودند : پوشش پهلوی جنوبی آرایش تمرزی که به «ارتش جناح راست» مقرر شده بود . جانب یا «توقف کردن قوای فرانسویها در «لرن» برای اینکه مانع شوند فرانسویها آنها را بحناح چپ خود انتقال دهند . برای تامین این منظور ، این دو ارتش ، بفرماندهی «پرنس دو برخت دو باویر» (Prince Rupprecht de Bavière) ، فرمانده ارتش ۶ ، مأموریت داشتند حکه با توجه برویه فرانسویها ، یا اینکه در سمت «مرت» (Meurthe) و «مزل» حرکت نمایند تا اینکه بانپروی فرانسه مواجه شوند ، یا اینکه بالعکس تا «سار» (Sarre) عقب نشینی کنند ، تا در آنجا ارتش ۶ بمقاومت جبهه ای بپردازد و در اینموقع گروه «نید» (Nied) باتحاق ارتش ۷ حمله متقابل ای در هر دو پهلوی نیروی فرانسویها اجرا نمایند .

از ۱۲۳ لشکری که آلمان در اثر بسیج تهیه نموده بود ۹۷ لشکر آن را که نیروی او بود بسمت دشمنان غربی خود سوق داده و فقط ۲۶ لشکر در برابر روسها قرار داده بود .
پیش از دو تلت از ۳۴ سپاه نوده ضربت آلمان تشکیل دو ارتش داده بود که مامور داخل شدن به بلژیک بودند که از آن طریق بجناح چپ نیروی فرانسه حمله ور کردند .
بدین طریق آلمانها تفوق عددی مسامی در خط اصلی عملیات برای خود تأمین نمودند :

ارتش یکم - بفرماندهی ژنرال فن کلوک (von Kluck) (۴ سپاه تحت السلاح - ۳ سپاه احتیاط - سپاه دوم سوار) (ژنرال مارویتس (Marwitz)) (عبارت از ۳ لشکر)

ارتش دوم - بفرماندهی ژنرال فن بولوو (von Bülow) (قوای گارد - ۲ سپاه تحت السلاح - قوای احتیاط گارد - دو سپاه احتیاط - سپاه یکم سوار) (ژنرال ریختهوفن (Richtofen)) - دور ارتش فوق مامور اجرای مانور قطعی در ناحیه « موزسلی » و « سامبر سلی » بودند . ارتشهای مزبور از بهترین قوای آلمان تشکیل شده بود . دارای وسایل کامل و روحیه قوی بوده و برای عملیات سریع آماده بودند .

ارتش سوم - بفرماندهی ژنرال فن ها اوزن (von Hausen) (سه سپاه تحت السلاح - یک سپاه احتیاط) در عقب ارتفاعات آردن (Ardenne) نمرکز یافته مامور بت آن استقرار ارتباط بین دو ارتش جناح متحرك و دو ارتش زیر که بمنزله محور بودند :

ارتش چهارم - بفرماندهی پرنس دو ورتمبرگ (prince de Wurtemberg) (۲ سپاه تحت السلاح - ۲ سپاه احتیاط) مامور بود که از روز دوم اوت ۱۹۱۴ داخل لوکزامبورگ شده و در سرحد غربی آن نمرکز یابد .

ارتش پنجم - بفرماندهی ولیعهد آلمان (Kronprinz Allemand) (۴ سپاه تحت السلاح - ۲ سپاه احتیاط) در عقب ناحیه مستحکم « مس - نیونویل » (Metz-Thionville) . در جبهه دفاعی آلزاس لرن دو ارتش ذیل نمرکز مییافتند :

ارتش ششم - بفرماندهی ولیعهد باویر (Kronprinz de Bavière) (۴ سپاه تحت السلاح و ۲ سپاه احتیاط) در « لرن » قرار گرفته و باید در مقابل تمام فشارهایی که فرانسویها بین « مس » و « وژ » (Vosges) وارد بیاورند مقاومت نماید .

ارتش هفتم - بفرماندهی ژنرال فن هرینگن (von Heeringen) (۲ سپاه تحت السلاح و ۱ سپاه احتیاط) در حدود وژ (Vosges) و آلزاس قرار گرفته و ترتیب قوای خود را طوری داده است که بتواند سریعاً قوای مهمی را خواه در ناحیه آلزاس علیا و خواه در ناحیه ساورن (Saverne) جمع آوری کرده که از آنجا داخل لرن شود . این ارتش با استفاده از رشته خطوط آهن هر دو ساحل رود رن ، (Rhin) در واقع مانور مکرری را بطور متوالی و بشکل قابل توجهی اجرا خواهد نمود .

فرماندهی کل با خود امپراطور ویلهلم دوم بود و ریاست ستاد کل را ژنرال فن مالتکه (von Moltke) عهده دار بود .

این نقشه‌ای بود که در سال ۱۹۱۴ اجرا گردید. این نقشه، با نقشه «شایفن» (Schlieffen) قابل مقایسه نبود؛ تغییراتی که «فن مانکه» به نقشه اخیر داده بود اهمیت تاریخی بسزائی داشت؛ زیرا همین خود قدر و قیمت فرماندهی را، که در آغاز جنگ عهده دار هدایت ارتشهای آلمان بود، مجسم میکرد و پیشاپیش نشان میداد که «فن مانکه» از فضائل و امتیازات «شایفن» محروم بوده است.

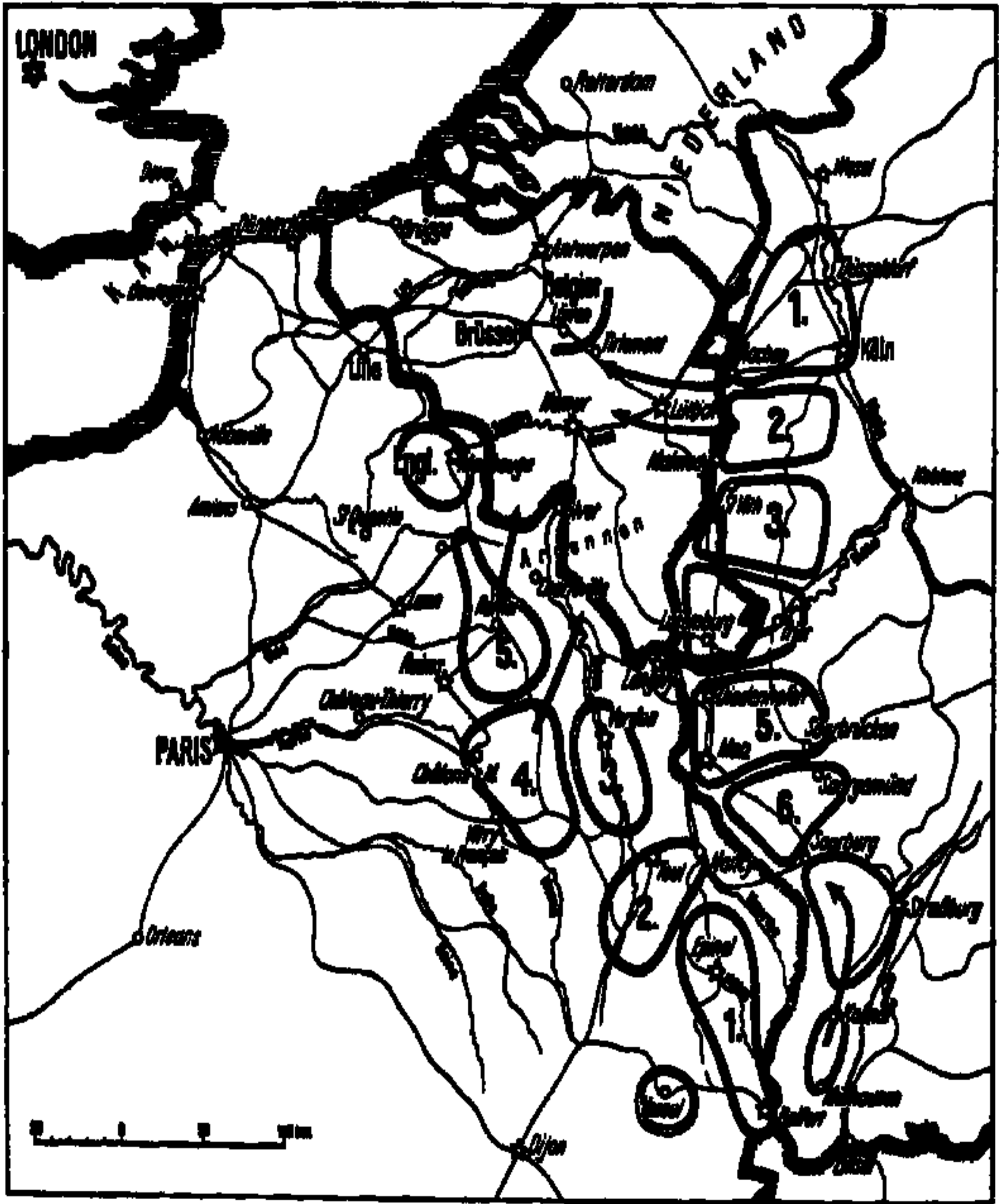
با نقشه «شایفن»، تقریباً کلیه ارتشهای آلمان بین «وردن» و «بروکسل» بجناح چپ فرانسه و با حماه ور میشد. «شایفن» تدابیر خود را بقسمی اتخاذ نموده بود که، نه تنها توده حماه توده عظیمی باشد، بلکه در حین پیشروی هم از پراکنندگی و تفرقه توده مزبور جاوگیری شود، بدین سان که علی رغم معمول ارتشها، که در حین پیشرفت به پوشش یا محاصره استحکامات و قلاع، اشغال حکومت نشینها و ایالات و حفظ و حراست خطوط مواصلات مجبور میشوید، نگذارد توده ارتشهای حماه از هم گسیخته شود.

وای در نقشه «مانکه»، با فکر متدلی تری مواجه میشویم، چه آنکه محققاً با فرماندهی مواجه میگردیم که از لحاظ اراده دارای خهبره دیگری بوده است. «مانکه»، جنبه های فرعی را قویت کرده و مرکز ثقل قوای خود را بسمت جنوب فرود آورده بود. این دیگر صحبت از یک تفاوت جزئی نبود، بلکه یک سایفه دیگری بود. پس از اینکه جنگ اعلان گردید، مقدمات کار فراهم گشت و توده ها بدهای مر بوطه منوجه شدند. «مانکه» برای اینکه از رویه عمومی حوش پیروی کرده باشد، هدایت مانور را بفرماندهان ارتشها واگذار نموده بود تا بر حسب تشخیص خود و بانوای یکدیگر بعمایات بپردازند. پس «مانکه»، مداخلات مستقیمی نکرد، جز در پت مورد، آن نیز برای ارتکاب خطه و خطائی که قطعاً «شایفن» بهر قیمتی که تمام میشد از آن احتراز می نمود؛ خطه «مانکه» در این بود که هر قدر به نبرد نهائی نزدیک تر میشد همان نسبت توده حماه خود را بدست خود ضعیف تر میکرد. آنهم تا چه حدودی! چنانکه بعد ها خواهیم دید، از سه ارتش جناح راست، تا موقع رسیدن آنها به «مارن» ۱۱ لشکر و نیم کسر برداشت گردید. از باقیمانده این قوا هم، ۴ لشکر (سیاه ۱۱ و سیاه احتیاطی گارد) ۸ روز پیش از آغاز نبرد «مارن» از جبهه غرب برداشت شده و بجهه شرق اعزام شد، تا اینکه . . . چند روز پس از خاتمه نبرد «تانن برک» بمقصد برسند! اگر همین دو سیاه در جبهه غرب ابقاء گردیده و بموقع داخل نبرد «مارن» شده بودند شاید همین خود کافی بود که تعادل را بطرف آلمانها برگرداند.

تمرکز نیروی متفقین (نقشه شماره ۲ - ۳)

از طرف متفقین در صحنه غربی اروپا تمام ارتشهای فرانسه و بلژیک تمرکز یافتند و ورود بکفست ارتش انگلیس هم انتظار میرفت.

جبهه غرب



مركز نیروی آلمان و متفقین (فرانسه - بلژیک - انگلیس) در آغاز جنگ

تمرکز نیروی فرانسه (نقشه شماره ۲)

ستاد ارتش فرانسه، در طی دستوری که برای نقشه عملیات بدوی صادر نمود، خط مشی خود را معلوم داشت، باین مضمون: « قصد فرمانده کل این است که تمام قوا را بجلو سوق دهد. این تعرض بشکل دو عمل اجراء خواهد شد، یکی در جناح راست، در زمینهای بین جنگلهای کوهستانی « وُژ » (Vosges) و « مُزل » (Moselle)، مشرف به « تول » (Toul)، و دیگری در جناح چپ، در شمال خط « وِردن - میس » (Verdun-Metz)، بقسمیکه این دو عمل با قواییکه کنار « موز علیا » (Hauts-de-Meuse) و در « وُور » (Woëvre) عمل می نمایند بهم پیوسته شوند ».

و برای این مانور، آرایش ذیل اختیار شده بود:

۱ - در جناح راست، ۲ ارتش مأمور حمله بین « وُژ » و « مُزل »:

- ارتش ۱ | ژنرال «دوبای» (Dubail): قرارگاه در « ایپینال » (Epinal) |

دارای ۵ سپاه تحت السلاح، ۲ لشکر سوار، ۱ هنگ توپخانه سنگین که در منطقه « شارم، آرش، دارنه » (Charmes. Arches Darney) تمرکز خواهند داشت:

- ارتش ۲ | ژنرال «دوکاستلنو» (de Castelnau): قرارگاه در « نوشاتو »

(Neufchâteau) | دارای ۵ سپاه تحت السلاح، ۲ لشکر سوار، ۱ هنگ

توپخانه سنگین، ۱ گروه لشکرهای احتیاط، متمرکز در منطقه: پل « سن وسان،

میرکور، ویتل، نوشاتو، پاپنی - لابلاش کت، و وکولور، پلنو « Pont

Saint- Vincent, Mirecourt, Vittel. Neufchâteau. Pagny-la Blanche Cote, Vaucouleurs, Blénod).

۲ - در جناح چپ، نیروی مأمور حمله در شمال خط « وِردن - میس »:

- ارتش ۳ | ژنرال «لانرزاک» (Lanrezac): قرارگاه در « رتل » (Rethel) |

دارای ۵ لشکر تحت السلاح، ۱ لشکر سوار، ۱ هنگ توپخانه سنگین، ۲ لشکر

احتیاط، متمرکز در طول خط بین: « اباتن، یواژرن، گرانپره، آپرمن، سویپ،

ژونیویل، رتل، شمن - پرسین، « Aubenton. Poix-Terron, Grand Pré,

Apremont, Suippes. Juniville, Rethel, Chaumont-Porcien)

۱ - سپاه سوار [ژنرال «سرده» (Sordet)] متمرکز در اطراف «مزیر» (Mézières) و دارای ۳ لشکر سوار (با قوای یاده نظام پشتیبان سوار انوموبیل).
۳ - ۱ ارتش مأمور تأمین ارتباط بین این دو توده:

ارتش ۳ | ژنرال «روفه» (Ruffey): قرارگاه در «وردن» | دارای ۳ سپاه
۱ لشکر سوار، ۱ هنگ توپخانه سنگین، ۱ گروه لشکرهای احتیاط، متمرکز در منطقه
«سن مپیل» کساوا، دامویلر، (St. Mihiel. Consenvoye, Damvillers).

۴ - ۱ ارتش تحصیمی.

ارتش ۴ | ژنرال «لانگل دو کاری» (Langle de Cary): قرارگاه
در «سن دیزیه» (St. Dizier) | دارای ۳ سپاه تحت السلاح، ۱ لشکر سوار،
۱ هنگ توپخانه سنگین، متمرکز در منطقه بین «واونکور» و «گندرکور»
بار-لو-دوک، (Vavincourt. Void, Gondrecourt, Bar-le-Duc).

۵ - قسمنهائی در اختیار فرمانده کل:

۲ لشکر افریقائی (لشکرهای ۳۷ و ۳۸)، ۱ لشکر آلمن (لشکر ۴۴)
و ۲ گروه لشکرهای احتیاط.

از مراجعه بوقایع مطوم خواهد شد که آیا این نقشه با وضعیت صلی وفق داشته است یا خیر؟ چنانکه می بینیم، فکر ساده ای محرک آن بوده است: یعنی فکر اقدام به تعرض بسطح متمرکز کلیه قوا. این تعرض با مفهوم آئین جنگی فرانسویها وفق داشته است، و مبتکرین نقشه معتقد بوده اند باینکه این تعرض، بنا بر گفته سرهنگ «دوگران مزُن» (de Grandmaison)، بمنزله «بهترین و نائق و تضمیناتی است» که بر علیه کلیه مانورهای نهائی دشمن اتخاذ شده باشد. باین مفهوم، حمله عمومی فرانسویها میبایستی آرایش دشمن را برهم زده و قوای احتیاطی ویرا جلب نموده و مشغول سازد و بدینسان مانور ویرا حتمی کند.

ارتش بلژیک: مرکب بود از ۶ لشکر که بالغ بر ۱۱۸،۰۰۰ نفر میگردید. دولت مزبور در روزهای ۴ و ۵ اوت دو لشکر برای دفاع قلاع «لیژ» (Liège) و نامور (Namur) حرکت داد. لشکرهای سوار نیز در نواحی «وایرن»

(Varenes) و بقیه ارتش بر طبق نقشه جنگ در عقب رودخانه «ژت» (Gette) استقرار یافتند .

ارتش انگلیسی : قرار بود بتدریج که وارد میشود در نواحی « والانسین » (Valenciennes) و « موبوژ » (Maubeuge) تمرکز یابد . قسمتهای مقدم آن ازدهم اوت در « بولن » (Boulogne) و « کاله » (Calais) پیاده شدند . آمادگی آنها برای عملیات تا ۲۱ اوت انتظار میرفت .

نسخه

از مقایسه تمرکز و مقاصد مقدماتی طرفین اینطور برمیآید که نیروی آلمان نسبت به نیروی متفقین موقع مساعدتری را حائز بوده است . آلمانها بوسیله همان تمرکز خود جناح مهم دشمن را با میدان عمل و آزادی مانور بدست آوردند .

آنها توانستند که ۲۷ سپاه را با دو سپاه سوار در ریک سمت تمرکز دهند در صورتیکه در مقابل آنها پس از زحمات و تقسیم بندیها فقط ۱۳ سپاه فرانسه و بلژیک که تشکیل دو گروه داده بود قادر به عملیات گردیدند .

آلمانها در مقابل جبهه خود در آغاز مانور فقط ۶ لشکر بلژیک را داشتند که متکی بدو قلاع بودند .

در ناحیه فرعی در جنوب « مس » قوای آلمان و فرانسه تقریباً مساوی بود . متفقین در این جبهه جنگ را با کیفیاتی که بحال ایشان نا مساعد بود شروع میکردند و مجبور بدفع ضربت دشمن و از دست دادن ابتکار بودند ، آزادی عمل برای متفقین فقط در جنوب ناحیه مستحکم « مس » وجود داشت و چنانکه بعداً می بینیم از آن استفاده کردند ولی بشکل کوششهای ضعیف و غیر متحد که نمیتوانست در مقابل قوای آلمان که با قوای آنها مساوی ولی بر طبق نقشه ثابتی عمل مینمود باعث موفقیت گردد .

صحنه شرقی اروپا (نقشه شماره ۴)

در صحنه شرقی اروپا تلاقی نیروی روس با قوای فرعی آلمان و نیروی اصلی اطریش یمن بینی میگردید که بر طبق نقشه های مقدماتی جنگ میبایستی از یکطرف در پروس شرقی و از طرف دیگر در مرزهای طویل روس و اطریش یعنی از رودخانه «ویستول» (Vistule) تا «دنستر» (Dniestre) صورت گیرد.

اگر در جبهه غربی دول متخاصم از حیث تجهیزات و وسائل و تمرکز قوا و حتی استحکامات برابر بودند ولی در شرق تمام این نکات بنفع دول مرکزی بود؛ زیرا ارتش روس چه از حیث وسائل و تمرکز قوا و چه از لحاظ خطوط آهن نسبت بدشمنان خود فوق العاده عقب تر و ضعیف تر بود و بدین جهت جدال طرفین در احوالات و کیفیات متباینی انجام میگرفت.

آلمانها پروس شرقی را که میدان مبارزه آینده بود برای جنگ با روسیه بیک ناحیه مستحکمی تبدیل کرده بودند. جناح راست این ناحیه بوسیله استحکامات «لتن» (Lötzen) محکم شده بود که با عوارس موجوده زمین نه تنها مواضع دفاعی کاملی برای دستجات کوچک ارتش بشمار میرفت بلکه باعث کشف عملیات ارتشهایی که از سمت شرق و جنوب به پروس شرقی هجوم میآوردند نیز میگردد. جناح چپ ناحیه مزبور را قلعه «کونیگسبرگ» (Königsberg) پوشانده بود. در جبهه اطریش و روس کیفیات و شرایط محلی برای طرفین تقریباً مساوی بود.

تمرکز نیروی دول مرکزی (نقشه شماره ۴)

تمرکز نیروی آلمان

بر طبق نقشه های جنگ منظور خود را در صحنه شرق در مرحله اول جنگ قبل از خورد کردن فرانسه حفظ پروس شرقی بوسیله دفاع عامل قرارداد بود که ضمناً، در صورت امکان، بوسیله تعرض در سمت رودخانه «نارو» (Narew) بارتش اطریش نیز مساعدت کند. برای این منظور ارتش هشتم آلمان مرکب از چهار سپاه و قسمتهای اعزامی از ساخلوی قلاع و یک لشکر سوار که جملاً قریب ۱۶ - ۲۰ لشکر بود در آن حدود تمرکز یافت.

فرمانده ارتش هشتم آلمان ژنرال «فن بریتویس» (Prittwitz) با اتکاء بناحیه مستحکم «لتسن» (Lötzten) یک سپاه جبهه بسمت «نارو» (Narew)، تقریباً از «ملاوا» (Mlawa) تا «ویلنبرگ» (Willenberg) مستقر نمود. سپاه دیگر را جبهه بسمت نمان (Niéman) تقریباً بین «گلداپ و گومبی نین» (Goldap - Gumbinnen) قرارداد و بقیه قسمت‌ها را بطور احتیاط در ناحیه: «آنکربورگ - آلتشتین - مارینبورگ» (Angerburg - Allenstein - Marienburg) متمرکز داد و محل اقامت آنها را در نزدیکی مراکز و ایستگاه‌های مهم راه آهن معین کرد تا در موقع لزوم بتواند آنها را با کمال سرعت بنقاط لازم سوق دهد.

تمرکز نیروی اطریش - هنگری

اطریش از ۱۶ - ۱۸ سپاه خود بدو ۱۲ سپاه، چند لشکر مستقل و ۱۱ لشکر سوار (جمعاً ۴۴ لشکر پیاده و ۱۱ لشکر سوار) که به ارتش و یک قسمت مستقل ژنرال «فن کوس» (Von Kövess) تقسیم میشد بجهت روس اعزام داشت و سه ارتش دیگر را در سرحد صربستان قرارداد. ولی پس از آغاز عملیات جنگی اطریشیها اقدام بانقال ارتش دوم از جبهه صربستان بجهت روس نمودند، آلمانها نیز یک سپاه لاندور تحت فرماندهی ژنرال «ویرش» (Woyrsch) از سرحد «سیلزی» بکمک آنها کسبل داشتند و این قسمتهای کمکی جمعاً در همان عملیات اولیه شرکت جستند.

نیروی اطریش - هنگری در جبهه روس بطریق ذیل استقرار یافت:

گروه ضربت: مرکب از ارتش یکم و چهارم، ۶ سپاه و ۴ لشکر سوار از رودخانه «ویستول» در خط رودخانه «سان» (San) ناسمت مشرق «پرمیشل» (Przemy) استقرار یافته و مأموریت ایشان تعرض بین رودخانه های «ویستول» و «بوگ غربی» با گردش بازو چپ و عقب راندن ارتش روس از «ویستول» بجانب مشرق بود.

گروهی که از سمت شرق عملیات را میپوشاند مرکب بود از ارتش سوم و قوای مستقل ژنرال «فن کوس» (Von Kövess) که چندی بعد بوسیله ارتش دوم تقویت گردید جمعاً تشکیل چهار سپاه را میداد و بعداً مبدل به ۶ سپاه شد، آن گروه

جبهه سمت مشرق در ناحیه لامبرگ و استانیسلاو (Lemberg - Stanislau) استقرار یافت .

جناح چپ را در ساحل چپ «ویستول» سپاه «کومر» که از کراکوی (Cracovie) حرکت کرده و سپاه «وُیرش» (Woyrsch) که از سرحد «سیلزی» سمت «ویستول» گسیل شده بود میپوشاندند .

بطریق فوق برای اجرای ضربت اصلی (با احتمال شرکت سپاه های «کومر» (Kummer) و «وُیرش» یعنی با بهترین شرایط) قوایی که کمتر از یک تمام نیرو بودند مرکز یافت و بیش از یک نیرو مأمور تأمین آن گردیدند؛ اهمیت سیاسی «لامبرگ» (Lemberg) (بالو و Lwow) و نزدیکی آرایش گروه شرقی بجاده های عقب نشینی گروه ضربت تقویت ارتش تأمینی را ایجاب میکرد .

فرماندهی کل نیروی اطریش را آرشدوک فردریک (Frédéric) و ریاست ستاد آنرا ژنرال «کنراد فن هتسن دورف» (Conrad von Hötendorff) عهده دار بود؛ دولی ارتشهای آلمان و اطریش در جبهه شرقی دارای فرماندهی واحدی نبودند .

تمرکز نیروی روس (نقشه شماره ۴)

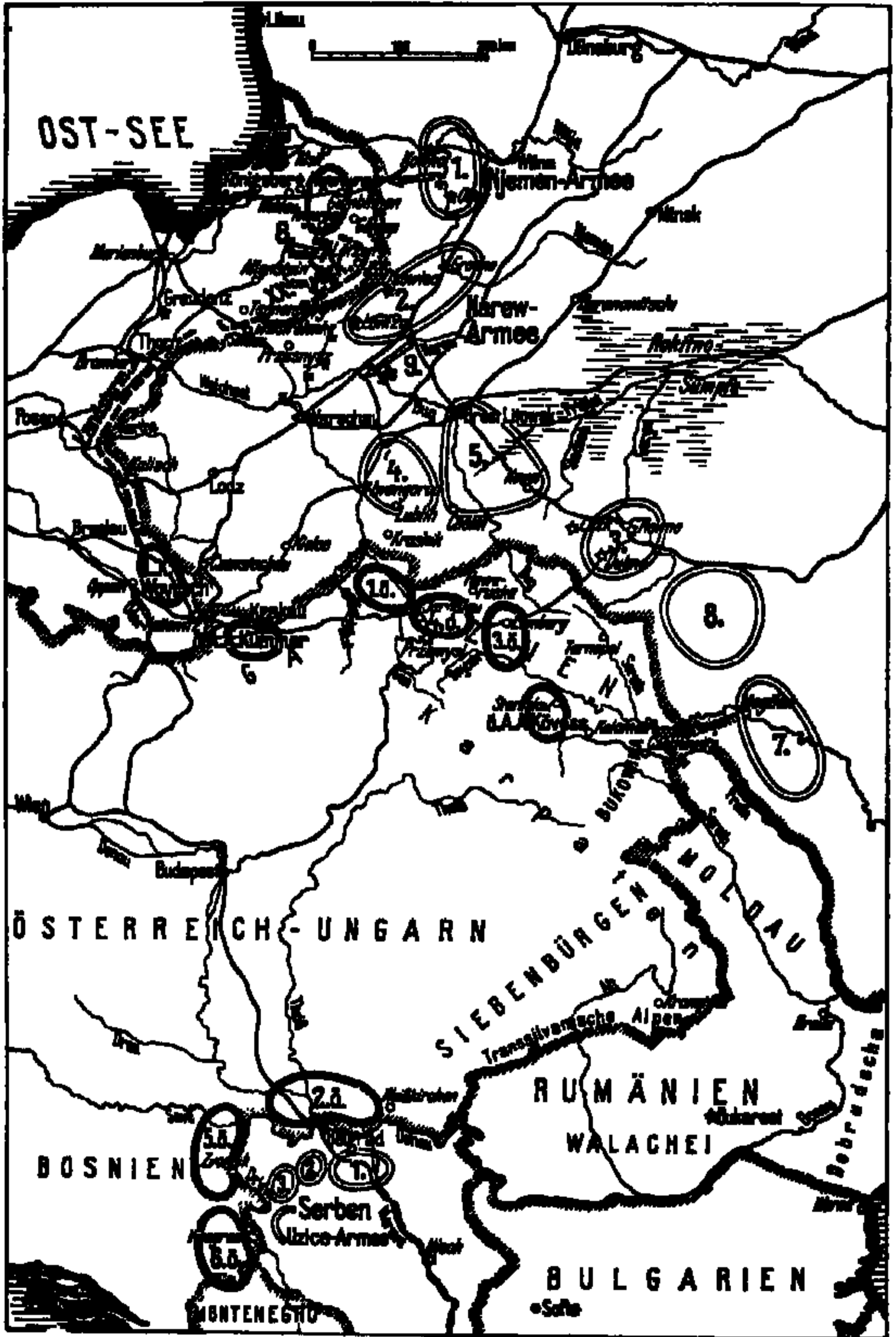
فرماندهی کل نیروی روس در جنگ بمهدۀ گراندوک نیکلا نیکلایویچ (Nicolas Nicolaievitch) و ریاست ستاد آن بمهدۀ ژنرال یا نوشکویچ (Janouchkevitch) واگذار گردیده بود .

ارتشهای مأمور عملیات در مقابل جبهه آلمان و اطریش تشکیل گروه (یا جبهه) داده بودند .

فرماندهی جبهه آلمان (جبهه شمال غرب) بمهدۀ ژنرال ژیلینسکی (Jilinsky) و فرماندهی جبهه اطریش (جبهه جنوب غرب) بمهدۀ ژنرال ایوآف (Ivanof) بود .

درجبهه آلمان دو ارتش بطریق ذیل استقرار یافت : ارتش یکم : (بریاست ژنرال رنن کامپف) (Rennenkampf) مرکب از یک سپاه با چند لشکر احتیاط

و یک لشکر سوار در خط نمان (Niemen) درجبهه : «کونو-اولیتا» (Kowno - Olita) با داشتن قدمتهای پوشش و سوار دو جلوی خود مستقر گردید .



مرکز نیروی متفقین (روس و سرستان) و نیروی متحدین (آلمان و اطریش) در آغاز جنگ
(مقیاس منته ۶۲)